

شاهی که به پادشاهی علاقه ای نداشت

۳ اردیبهشت ۱۳۹۷ ساعت ۱۳:۲۹

وی علاقه چندانی به سلطنت نداشت و شاید همین بی‌علاقگی عاملی در عدم اقتدار او در پادشاهی باشد. چنانچه خود وی نیز با اذعان به این موضوع گفته بود «اگر در سوئیس کلم فروشی کنم بهتر است تا در چنین مملکتی پادشاه باشم.»

کافه هنر - مقالات

احمدشاه قاجار، آخرین پادشاه سلسله قاجاریه است که در یکی از حساسترین برهه‌های تاریخ ایران رسماً تاجگذاری نمود و به سلطنت رسید. احمدشاه، همزمان با وقوع جنگ جهانی اول، سلطنتش را آغاز و با موضع‌گیری بیطرفانه، تلاش نمود امنیت ایران را حفظ و کشور را از گزند ناامنی نجات دهد؛ اما در نهایت کشور آماج حملات بیگانگان و نیز شورش برخی از نیروهای محلی در نقاط مختلف کشور شد. به طور کلی دوران پادشاهی احمدشاه را می‌توان دوره‌ای مهم و خاص دانست که حوادثی چون کودتای ۱۲۹۹ و نخست‌وزیری رضاشاه را به دنبال داشت که در ادامه با اشاره به برخی از این حوادث، به تشریح دوران سلطنت وی پرداخته می‌شود.

احمدشاه قاجار از کودکی تا سلطنت

احمدشاه قاجار، دومین فرزند محمدعلی شاه، پادشاه مستبد قاجاری بود. وی در سن ۱۲ سالگی به پادشاهی رسید و از آنجا که هنوز به سن قانونی نرسیده بود؛ عضدالملک و ناصرالملک به عنوان نایب‌السلطنه او انتخاب شدند و بعد از آنکه احمدشاه به سن قانونی رسید، رسماً به عنوان پادشاه تاجگذاری نمود. آغاز تاجگذاری احمدشاه مقارن بود با آغاز جنگ جهانی اول و اشغال کشور از سوی کشورهای متجاوز. احمدشاه در این شرایط اولین موضع‌گیری سیاسی خود را اتخاذ و بیطرفی ایران را اعلام نمود؛ اما این بیطرفی از سوی کشورهای بیگانه نقض گردید. «چنانچه هشت هزار سرباز روسی در چهار نوبت به عنوان حفظ جان و مال اتباع روسیه وارد ایران شده بودند و در مقابل دولت عثمانی نیرویی مرکب از شش هزار سرباز و توپخانه و سواره نظام وارد خاک ایران نموده و ناحیه قطور و مهاباد را تصرف کرد.» ۱ از سویی نیروی انگلیس نیز قوایی را وارد کشور کرد و بخشهایی از سرزمین ایران را مورد تجاوز خود قرار داد.

در این شرایط، وضعیت کشور تا حدود زیادی ناامن شده بود. چنانچه عده‌ای از نمایندگان برای مقابله نفوذ بیگانگان، به قم رهسپار و در آنجا کمیته دفاع ملی را تشکیل دادند که بعدها به کابینه مهاجر معروف شد. با این حال احمدشاه توانست به تدریج امنیت را در کشور برقرار سازد و برخی از شورشهای داخلی را سرکوب نماید. البته بیشتر این اقدامات با همفکری مشاوران و بهره‌مندی از برخی از نخست‌وزیران باتجربه انجام می‌شد و همین موضوع باعث شد تا بسیاری احمدشاه را پادشاهی قوی و مقتدر تلقی نکنند. البته گفته می‌شود که وی علاقه چندانی به سلطنت نداشت و شاید همین بی‌علاقگی عاملی در عدم اقتدار او در پادشاهی باشد. چنانچه خود وی نیز با اذعان به این موضوع گفته بود «اگر در سوئیس کلم فروشی کنم بهتر است تا در چنین مملکتی پادشاه باشم.»^۲ با این حال دوره پادشاهی احمد شاه موجب تحولات گسترده دیگری به خصوص تجربیات نامساعد در عرصه سیاسی بود که بیشتر آنها با آگاهی و حضور مستقیم او صورت می‌گرفت و نشان از بی‌علاقگی یا بی‌تدبیری او در امر سلطنت داشت. از جمله این موارد می‌توان به قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله و انقراض سلسله قاجار اشاره کرد.

قرارداد ۱۹۱۹ و ثوق الدوله

به موجب قرارداد استعماری ۱۹۱۹ نظارت بر تشکیلات نظامی و مالی ایران منحصراً در دست مستشاران انگلیسی قرار می‌گرفت و در مقابل دولت انگلستان متعهد می‌شد قرضه‌ای به ایران بدهد و خسارت وارده به این کشور در زمان جنگ را جبران و در احداث راه آهن و تجدیدنظر در تعرفه‌های گمرکی اقدام نماید.^۳ برخی معتقدند احمدشاه دخالتی در این قرارداد نداشت و به عبارتی از آن مطلع نبود، اما طبق اسناد باقی مانده، وی نه تنها از آن آگاه بود بلکه به نقل از برخی از منابع، مقداری رشوه نیز بابت امضای قرارداد دریافت نموده بود. چنانچه طبق ضمیمه شش متن کاکس به وثوق، «حضرت اشرف نسبت به قراردادی که بین دولتین منعقد گردید مجاز هستم به اطلاع حضرت اشرف برسانم که اعلیحضرت سلطان احمدشاه و جانشینان از پشتیبانی دوستانه اعلیحضرت پادشاه بریتانیا تا زمانی که مطابق سیاست و مشورت با ما رفتار نمایند برخوردار خواهند بود.»^۴ با این حال این قرارداد در نهایت به دلیل مخالفت‌های مردمی به اجرا نرسید و باطل شد؛ اما بی‌لیاقتی احمدشاه در امور کشور و ابستگی به کشورهای بیگانه را نشان داد. علاوه بر این قرارداد، ۶ سال بعد از تاجگذاری احمدشاه، شاهد کودتای ۱۲۹۹ نیز هستیم. کودتایی که توسط رضاخان و با همدستی سیدضیا صورت گرفت و عملاً بر حکومت قاجار پایان بخشید.

از کودتای ۱۲۹۹ تا پادشاهی رضاشاه: پایان حکومت قاجار

کودتای ۱۲۹۹ در دوران بحرانی مشروطه و پراکندگی قدرت سیاسی توسط رضاشاه و سیدضیا صورت گرفت. رضاشاه بعد از کودتا به عنوان سردار سپه توانست یک سری عملیات نظامی موفق علیه طوایف شورشی در آذربایجان شرقی، کرمانشاه و... انجام دهد و مهمتر از آن غلبه شیخ خزعل در خوزستان بود که بسیاری از اقدامات او جهت کسب قدرت انجام می‌شد. کودتای رضاشاه و به دنبال آن احراز پست نخست‌وزیری در ابتدا با خطر چندانی مواجه نبود، با این حال شاه جوان قاجاری واکنش سیاسی مناسبی در برابر یکه‌تازی رضاشاه از خود نشان نداد. کمی بعد از کودتا، رضاشاه توانست به نخست‌وزیری و بعد از آن به پادشاهی برسد و

با رای مجلس شورای ملی رسماً انقراض سلسله قاجار را اعلام نماید. با این حال در همین دوره شاهد انعقاد قراردادهای مثبتی چون قرارداد ۱۹۲۱ نیز هستیم که به کاهش نفوذ روسیه منجر شد. دولت طی این قرارداد تلاش کرد تا نفوذ سیاسی روسیه را کاهش دهد. البته ناگفته نماند که یکی از علل اصلی موفقیت این سیاست، شرایط خاص روسیه یعنی انقلاب بلشویکی بود که طی آن شوروی سیاست مداخله در کشورهای همجوار را برای مدتی کنار نهاد و به مسائل داخلی خود مشغول گشت. با این حال طبق قرارداد ۱۹۲۱ شوروی از جداسازی بخشهایی از ایران از جمله جزایر آشوراده صرفنظر کرد و کاپیتولاسیون را نیز ملغی اعلام نمود. البته در مقابل، سیاست احمدشاه در مقابله با انگلستان چندان مؤثر و قوی نبود و این کشور توانست با استفاده از شرایط نابسامان ایران، موقعیت خود را تحکیم بخشد. علاوه بر این وی در مقابله با کسانی چون رضاشاه نیز توانست اقتدار لازم را از خود نشان دهد و مانع از قدرت‌یابی رضاشاه گردد. در نهایت این موضوع باعث شد تا وی در آبان ماه ۱۳۰۲ به اجبار به نخست‌وزیری رضاشاه رضایت دهد تا بدین طریق عملاً حکومت را از قاجار به پهلوی منتقل کند. بعد از آن احمدشاه ایران را به سمت پاریس ترک کرد و به نوعی به آنجا تبعید شد و در همان جا نیز درگذشت.

فهرست منابع

۱. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان ج. ج. دوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۵، چاپ یازدهم، صص ۳۴۳-۳۴۴
محمدتقی بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، ج ۱، ص ۳۹
مهدوی، همان، ص ۳۶۰
سید جلال‌الدین مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد ۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۹۱، چاپ هفدهم، ص ۱۴۶
محمدعلی کاتوزیان، دولت و جامعه در ایران، انقراض قاجار و استقرار پهلوی، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۹، ص ۳۸۷

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/۳۶۸۱۵/شاهیه-پادشاهیه-شاهیه>